

ترامپ از «تنها آمریکا» تا «آمریکای تنها»

ادامه از صفحه یک
۲. در ارتباط با امکان اجرایی‌شدن تحریم‌های یکجانبه علیه ایران، حتی طراحان آن نیز در پاسخ به پرسش‌های خبرنگاران دچار لکنت زبان شده اند.آمریکا تهدید کرده هر کشوری که با ایران روابط و مبادلات اقتصادی داشته باشد، مشمول مجازات‌های سنگین خواهد شد.با این حال، اگر ظرفیت واقعی آمریکا در تحقق شعارهای خود ارزیابی شود، سوابق پیشین گویای واقعیت دیگری است.دونالد ترامپ در آغاز دوره ریاست‌جمهوری خود با لحنی تهدیدآمیز خواست کانال پاناما به کنترل آمریکا درآید تا تعرفه‌های سنگینی علیه این کشور وضع نشود. ترامپ تهدیدها و تعرفه‌های مشابهی را علیه کانادا، مکزیک و سایر کشورهای پیرامونی اعمال کرد.اما این کشورها مقاومت کردند و حتی دولت کانادا،متحد دیرینه آمریکا در مقابل فشارها ایستادگی کرد.آمریکا در حالی که در حوزه همسایگی خود در پیشبرد تهدیدات تحریمی و تعرفه‌ای ناکام مانده‌بود در سطحی فزاتر، نتوانست با وضع تعرفه‌ها علیه چین و کشورهای اروپایی نیز به نتیجه دلخواه برسد. با این وضعیت، در شرایطی که نارضایتی‌های جهانی از یک‌جانبه‌گرایی اقتصادی آمریکا افزایش یافته، احتمال موفقیت تحریم های جدید علیه ایران بسیار نامحتمل به نظر می‌رسد.

۳. چنانچه کشورهایی قصد همراهی با تحریم‌های آمریکا را علیه ایران داشته باشند، تهران نیز به دو شکل،دست به اقدام متقابل خواهد زد. یعنی همه علیه کشورهای مشارکت کننده در تحریم ها اقدام متقابل خواهد داشت و هم منافع آمریکا در منطقه و خارج از منطقه را تخریب خواهد کرد. به عبارت دیگر، کشورهای همراهی کننده با آمریکا از حق تردد از تنگه هرمز محروم شده و امکان تعاملات اقتصادی را از دست خواهند داد. به همین دلیل کشورهایی همچون چین،روس،پاکستان،قطر ...و به‌صراحت اعلام کرده اند که در این تحریم‌ها مشارکت نخواهند کرد.چین صریحا اعلام کرده که چنانچه آمریکا تدابیری علیه پکن اتخاذ کند، طرف چینی دست به اقدام متقابل خواهد زد؛ اقدامی که نعت‌نثار از سر پیوندهای دویستانه با ایران، بلکه در راستای حفظ منافع بنیادین پکن صورت می‌گیرد. ریچارد نفیو،دپلیمات پیشین و معمار تحریم ها و فشار حداکثری علیه ایران نیز همین عقیده را دارد و می گوید:«دنیا از تحریم های اعلامی تازه ترامپ علیه ایران حمایت نمی کند، صدافانه بگویم، کشورهای دیگر به ما اعتماد ندارند.»

دست‌کم در یک دهه اخیر،دفاع از «منافع ملی» برای دولت‌ها اصالت و اهمیت یافته و کشورهای جهان از منافع خود در برابر فشارهای قدرت‌های بزرگ صیانت می‌کنند. ایستادگی کشوری مانند پاناما در برابر واشنگتن نشان می‌دهد که حتی واحدهای سیاسی کوچک نیز حاضر نیستند منافع ملی خود را فدای منافع آمریکا کنند. بنابراین، اگر واشنگتن درصدرد رویارویی هم‌زمان با تمامی کشورها برای ممانعت از تبادلات اقتصادی با ایران برآید، نه تنها همانند عرصه نظامی، در نبرد اقتصادی نیز با شکست مواجه خواهد شد بلکه منافع اقتصادی خود را نیز در معرض تهاجم نیروهای رزمنده ایرانی قرار خواهد داد.آمریکا باید باور کند که دوران شعار«تنها آمریکا» به پایان رسیده و مرحله «آمریکای تنها»آغاز شده است.

به گزارش نورنیوز حمله آمریکا به جزیره لارک و پاسخ ایران را نمی‌توان یک دور دیگر از چرخه معمول «حمله و تلافی» دانست. اهمیت این رخداد در این است که در میانه یک بن‌بست سیاسی و نظامی، نشانه‌هایی از تغییر زمین بازی آشکار شده است؛ تغییری که در آن ایران تلاش می‌کند به جای رقابت پرهزینه با آمریکا در حوزه برتری نظامی، هزینه استفاده آمریکا از این برتری را افزایش دهد.

این تحول درست پس از یک دوره فشرده فشار سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک رخ داده است. آمریکا در هفته‌های اخیر بر تشدید فشار اقتصادی، ادامه جنگ و بی‌نیازی از مذاکره تأکید داشت و تلاش می‌کرد این پیام را منتقل کند که زمان به سود تهران نیست. هم‌زمان، رفت‌وآمد مقام‌های پاکستانی، عمانی و قطری به تهران نیز افزایش یافت؛ روندی که دست‌کم می‌توان احتمال داد بخشی از آن با هدف انتقال پیام‌ها و ایجاد فشار غیرمستقیم برای تغییر محاسبات ایران انجام شده باشد. رسانه‌های منطقه‌ای نیز این رفت‌وآمدها را در چارچوب تلاش برای کاهش تنش و باز کردن مسیر دیپلماسی توصیف کرده‌اند.

اما آنچه پس از این دیدارها رخ داد از تغییر راهبرد تهران حکایت نکرد. مواضع مقامات ایرانی نشان داد که فشارهای دیپلماتیک نتوانسته مطالبات اصلی ایران را جابه‌جا کند و پس از شکست تلاش‌های دیپلماتیک برای شکستن بن‌بست، درگیری نظامی دوباره تشدید شد. این نقطه را باید جدی گرفت: تهران ظاهراً به جای تغییر محاسبه خود، محاسبه طرف مقابل را تغییر داده است.

نهاد امنیت ملی و تغییر منطق مدیریت جنگ

انتصاب محسن رضایی به دبیری شورای عالی امنیت ملی در این مقطع را نباید صرفاً یک جابه‌جایی اداری تلقی کرد. رضایی چهره‌ای است که بخش مهمی از سابقه سیاسی و نظامی خود را در مدیریت جنگ و طراحی راهبرد در شرایط فرسایشی گذرانده است. اهمیت حضور او در نهاد امنیت ملی بیش از آنکه صرفاً به سابقه فرماندهی سپاه در جنگ هشت‌ساله بازگردد، به نوع نگاه او به جنگ مربوط است؛ نگاهی که میدان

نبرد را محدود به عملیات نظامی نمی‌کند. مواضع اخیر رضایی نیز از تغییر رویکرد ایران در حوزه دفاعی و دیپلماسی خبر می‌دهد. او اعلام کرده که شیوه جنگیدن ایران متحول خواهد شد و در مواضع دیگر، بر پیوند میان فشار اقتصادی، امنیت منطقه‌ای و ابزارهای دفاعی تأکید کرده است.

این تغییر را می‌توان چنین خلاصه کرد: ایران دیگر صرفاً به دنبال پاسخ‌دادن به ضربه آمریکا نیست؛ به دنبال طراحی هزینه برای تصمیم آمریکا است.

این تفاوتی بنیادی است.

در مدل قبلی، آمریکا حمله می‌کرد و ایران پاسخ می‌داد تا بازدارندگی حفظ شود. اما در مدل جدید، پاسخ فقط برای تنبیه متجاوز نیست؛ بلکه کنش باید به گونه‌ای طراحی شود که تصمیم‌بعدی آمریکا را دشوارتر و پرهزینه‌تر کند.

حمله به لارک و پاسخ ایران در منطقه نیز از همین زاویه قابل تحلیل است. تهران نشان می‌دهد که جغرافیای پاسخ الزاماً جغرافیای حمله نیست و میدان فشار می‌تواند بسیار گسترده‌تر از نقطه‌ای باشد که آمریکا انتخاب کرده است.

نقطه ضعف آمریکا کجاست؟

ایران شاید نتواند به صورت مطلق با قدرت هوایی، دریایی و تسلیحاتی آمریکا رقابت کند. اما از الزامات نیازی

حمله به لارک چگونه پارادوکس ترامپ در جنگ با ایران را آشکار کرد؟

آتش بازی پس از یک ماه آرامش

حمله آمریکا به لارک و پاسخ ایران، صرفاً ثور تازه‌ای از «حمله و تلافی» نیست؛ نشانه تغییر زمین بازی جنگ است. تغییر مدیریت نهاد امنیت ملی و حضور محسن رضایی، هم‌زمان با تحولات میدان، می‌تواند از راهبردی خیر دهد که هدفش افزایش هزینه تصمیم نظامی آمریکا و انتقال فشار جنگ به اقتصاد و سیاست داخلی واشنگتن است.



به این کار ندارد. نقطه آسیب‌پذیر آمریکا جای دیگری است: هزینه جنگ.

واشنگتن می‌تواند حملات بیشتری انجام دهد، اما هر حمله الزاماً به معنای افزایش قدرت سیاسی آمریکا نیست. اگر استفاده از قدرت نظامی باعث افزایش نااطمینانی، ریسک کشتیرانی و فشار بر بازار انرژی شود، بخشی از هزینه حمله مستقیماً به اقتصاد آمریکا منتقل خواهد شد.

اینجاست که هرمز برای تهران اهمیت پیدا می‌کند؛ نه صرفاً به عنوان یک آبراه، بلکه به عنوان اهرم انتقال هزینه.

افزایش فشار بر تردد، افزایش ریسک بیمه و حمل‌ونقل و اختلال در بازار انرژی می‌تواند ابتدا نفت و فرآورده‌های آن را تحت فشار قرار دهد و سپس اثر آن به گازوئیل، حمل‌ونقل، کشاورزی، زنجیره تأمین و قیمت کالاهای منتقل شود.

در این مدل، ایران برای ضربه‌زدن به آمریکا الزاماً به نابودی یک پایگاه نظامی نیاز ندارد؛ کافی است هزینه اقتصادی جنگ را بالا ببرد.

پارادوکس آمریکا

واشنگتن اکنون با یک پارادوکس بسیار جدی روبرو است.

اگر از ابزار نظامی استفاده نکند، ایران می‌تواند برداشت کند که تهدید نظامی دیگر بازدارندگی سابق را ندارد و فضای بیشتری برای افزایش فشار در اختیار سیاسی تبدیل کند.

اگر آمریکا حملات را تشدید کند، سطح تنش بالاتر می‌رود و همین افزایش تنش می‌تواند ریسک انرژی و هزینه‌های اقتصادی را افزایش دهد.

یعنی آمریکا در برابر دو انتخاب قرار گرفته که هر دو هزینه دارند:

عدم استفاده گسترده از قدرت نظامی، هزینه بازدارندگی دارد؛ استفاده گسترده از آن، هزینه اقتصادی و سیاسی.

این همان تله‌ای است که ایران برای واشنگتن ایجاد کرده و بدنبال تعصیق آن است.

تهران به دنبال این نیست که آمریکا را از نظر نظامی شکست دهد؛ هدف می‌تواند این باشد که آمریکا را در موقعیتی قرار دهد که تلاش برای پیروزی نظامی رایش به لحاظ سیاسی و اقتصادی بیش از پیش گران تمام شود.

انتخابات نوامبر: نقطه حساس معادله

این پارادوکس در آستانه انتخابات نوامبر اهمیت چند برابر پیدا می‌کند.

ترامپ نیازمند آن است که جنگ را به عنوان یک موفقیت به رأی‌دهنده آمریکایی عرضه کند؛ جنگی که آمریکا در آن قدرتمند ظاهر شده، ایران عقب‌نشینی کرده و هزینه‌های کنترل مانده است. اما اگر جنگ طولانی شود، قیمت انرژی بالا برود، فشار بر فرآورده‌ها افزایش پیدا کند، هزینه حمل‌ونقل و تولید بالا برود و همزمان بازارهای مالی آمریکا نیز تحت نابودی قرار گیرد، روایت «پیروزی» با یک سؤال ساده مواجه می‌شود:

اگر آمریکا پیروز شده، چرا جنگ هنوز تمام نشده و چرا هزینه آن افزایش می‌یابد؟ این همان نقطه‌ای است که جنگ خارجی می‌تواند به مسئله داخلی آمریکا تبدیل شود.

در واقع، ایران با انتخاب این مسیر تلاش می‌کند تاب‌آوری آمریکا را قبل از انتخابات به یک متغیر سیاسی تبدیل کند.

و این برای واشنگتن خطرناک‌تر از یک شکست تاکتیکی در میدان نبرد است.

کارت جدید ایران

تهران در هفته‌های اخیر یک محاسبه مهم انجام داده است: آمریکا بیش از آنکه از کمبود قدرت نظامی آسیب‌پذیر باشد، از هزینه استفاده مداوم از این قدرت آسیب‌پذیر است.

این همان نقطه‌ای است که ایران می‌تواند روی آن



فشار بر انرژی، افزایش هزینه‌های جنگ، ایجاد نااطمینانی در بازار، فرسایش منابع نظامی و در نهایت انتقال تبعات جنگ به زندگی روزمره آمریکایی‌ها، می‌تواند زنجیره‌ای ایجاد کند که پایان آن در واشنگتن و صندوق رأی ظاهر شود.

از این منظر، حمله به لارک بیش از آنکه آغاز یک عملیات جدید باشد، آزمون یک منطق جدید است.

آمریکا می‌تواند با قدرت نظامی خود به لارک حمله کند؛ اما اگر پاسخ ایران باعث شود واشنگتن برای هر حمله بعدی هزینه‌ای اقتصادی، منطقه‌ای و سیاسی بپردازد، معادله تغییر کرده است.

در این صورت، مسئله دیگر این نیست که کدام طرف قدرت تخریب بیشتری دارد.

مسئله این است که کدام طرف می‌تواند هزینه قدرت طرف مقابل را بالاتر ببرد.

و به نظر می‌رسد ایران با ورود رضایی به مدیریت نهاد امنیت ملی، بیش از گذشته در حال بازی‌کردن با همین کارت است:

جنگ را از میدان برتری نظامی آمریکا به میدان تاب‌آوری آمریکا منتقل کن؛ از موشک به انرژی، از پایگاه نظامی به اقتصاد، و از میدان جنگ به انتخابات.

اگر این راهبرد موفق شود، واشنگتن با یکی از دشوارترین معادلات جنگی خود روبرو خواهد شد: نه می‌تواند به‌راحتی عقب‌نشینی کند، نه می‌تواند بدون پرداخت هزینه، پیشروی کند.

این دقیقاً همان تعریفی است که می‌توان از یک بن‌بست راهبردی داشت.

شاید به همین دلیل است که حمله به لارک را باید نه پایان یک دور درگیری، بلکه آغاز مرحله‌ای تازه از جنگ تاب‌آوری دانست؛ مرحله‌ای که در آن، کارت برنده الزاماً بزرگ‌ترین بمب نیست؛ بلکه هوشمندی و توانایی تحمل هزینه‌ای است که طرف مقابل دیگر نتواند آن را در محاسبات انتخاباتی خود پنهان کند.

گزاره‌گویی‌های ترامپ پس از تجاوزهای شب گذشته آمریکا به ایران

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا پس از تجاوزهای شب گذشته نظامیان سنتکام به خاک ایران که با پاسخ‌های قاطع نیروهای مسلح جمهوری اسلامی همراه شد، گزاره‌گویی‌ها و دروغ‌های خود در مورد تهران را تکرار کرد.

به گزارش ایرنا، ترامپ امروز دوشنبه در شبکه اجتماعی تروث سوشال ادعای تکراری خود در مورد اینکه ایران «شکست خورده» است را تکرار کرد درحالیکه شب گذشته پس از تجاوزهای سنتکام، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با هدف قرار دادن پایگاه‌های آمریکا در منطقه، پاسخ قاطعی به اقدام‌های جنایتکارانه واشنگتن دادند.

رئیس جمهوری آمریکا که تا کنون به هیچ یک از اهداف خود دست نیافته است، ادعای اینکه ایران «نیروی دریایی» و «نیروی هوایی» ندارد را تکرار و ادعا کرد که رهبری این کشور در آنفنگتی کامل است و قادر به نمایندگی صحیح کشور نیست.

درحالیکه بسیاری از رسانه‌های آمریکا در مورد دروغ‌ها و ادعاهای غلط ترامپ به طور مکرر گزارش‌هایی را منتشر می‌کنند، وی ایران را متهم به انتشار اخبار جعلی در مورد ایالات متحده کرده است. او مدعی شد: تنها چیزی که دارند اخبار جعلی از ایالات متحده است.

رئیس جمهوری آمریکا پس از انتشار این پست در شبکه اجتماعی تروث سوشال در گفت و گو با شبکه خبری فاکس نیوز بار دیگر تهدیدهای پوشالی خود در مورد هدف قرار دادن ایران را تکرار کرد. او تهدید کرد که ایالات متحده به حمله موشکی ایران به نظامیان آمریکایی در اردن پاسخ خواهد داد و افزود: ما به آنها ضربه سختی خواهیم زد.

حسین امیرتیموری، فرماندار شهرستان قشم روز دوشنبه در گفت‌وگو با خبرنگار ایرنا اظهار کرد که در جریان حمله شامگاه یکشنبه آمریکا به جزیره لارک، ۲ نفر به شهادت رسیدند و چند نفر نیز مجروح شدند.

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز بامداد دوشنبه با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که نیروی هوافضای سپاه در واکنش به این تجاوز هوایی دشمن آمریکایی ـ صهیونیستی، عملیاتی ترکیبی علیه مواضع آمریکایی در اردن انجام داده است.

سپاه پاسداران در پایان این اطلاعیه با اشاره به حمله صورت گرفته به جزیره لارک، تأکید کرده است که تجاوز و اقدامات نظامی، مانع تضعیف کنترل جمهوری اسلامی ایران بر تنگه هرمز نخواهد شد و هرگونه شلیک با پاسخی شدیدتر مواجه خواهد شد.



آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۲ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی ثبتی جهت انتشار در روزنامه محلی و کثیرالانتشار به شرح ذیل آگهی می گردد.

- برابر رای شماره ۱۹۳۲/۰۴۰۰۳۰۷۰۰۵۶۰۱۲۰۵مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۰۹مورد تقاضای محمداسمعیل صادقی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۱۴۲متر مربع از محل مالکیت ثبتی علی غفنی
- برابر رای شماره ۱۹۲۹/۰۴۰۰۳۰۷۰۰۵۶۰۳۰۹مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۰۹مورد تقاضای زهرا بگم غفنی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۸۲متر مربع از محل مالکیت ثبتی علی غفنی
- برابر رای شماره ۱۹۲۸/۰۴۰۰۳۰۷۰۰۵۶۰۳۰۹مورخه ۱۴۰۵/۰۴/۰۹مورد تقاضای مریم صفدری نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۹ متر مربع از محل مالکیت ثبتی آدینه محم رحیمی
- لذا بدین وسیله به فروشدگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنانچه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستا از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایند معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی تاریخ انتشار نوبت اول واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننمایند اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. شناسه آگهی: ۲۲۴۹۰۶۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۵/۲۶ تاریخ نوبت دوم ۱۴۰۵/۵/۰۶

مهدی بادلی

رئیس ثبت اسناد واملاک مانه و سملقان ۳۴۹۲

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۵۲۵۱/۰۱۰۰۰۳۲۹۰۱۴مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۵ مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۵ هیات اول دوم/موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهروند تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای /خانم علیرضا ابراهیمی فرزندحمید رضا به شماره شناسنامه ۵۸۰۰۹۲۹۲۹و۵۸۰۰۹۲۹۲۹کد ملی۵۸۰۰۹۲۹۲۹در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۶۶۱متر معرضه قسمتی از پلاک ۲۴فرعی از ورته قلعه عضدی بخش ۲،شاهروند خریداری از احدی از ورته محمد مهدی ابراهیمی محرز گردیده است.

برابر رای شماره ۵۵۰۳/۰۱۰۰۰۳۳۹۰۱۴مورخ ۱۴۰۵/۴/۲۴ هیات اول دوم/موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شاهروند تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای /خانم محمد رضا ابراهیمی فرزندحسینعلی به شماره شناسنامه ۵۸۰۰۹۲۹۲۹و۵۸۰۰۹۲۹۲۹کد ملی۵۸۰۰۹۲۹۲۹در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۲۵۷,۸۶متر مربع قسمتی از پلاک ۱,۳،فرعی از ۳۴ اصلی واقع در قلعه عضدی بخش ۲،شاهروند خریداری از احدی از ورته محمد مهدی ابراهیمی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول : دوشنبه۱۴۰۵/۵/۲۶

تاریخ انتشار نوبت دوم :سه شنبه ۱۴۰۵/۶/۰۱

حمید رضا حسین پور
رئیس اداره ثبت اسنادو املاک شهرستان شاهروند
از طرف محمد علی یارمحمدی ۳۴۹۲

۲۲۶۶۰۳۴

۱۴۰۵/۵/۰۶/۱۰

۳۸۸۱